

فطرت از دید اسلام / تاکید بر فطرت پاک انسانی

اسلام معتقد است انسان موجودی است که برخی از ویژگی‌های روحی را با خود بالقوه به دنیا آورده و این ویژگی‌های بالقوه در طول زمان به تدریج بالفعل درآمده و به ظهور می‌رسند. به گزارش خبرگزاری مهر، وجود فطرت از دیدگاه اسلام امری مسلم است یعنی اسلام بدون شک برای انسان فطرتی قائل است. از نظر لغوی فطرت از مصدر فطر و به معنای شکافتن اختراع و انشاء کردن می‌باشد.



اسلام معتقد است انسان موجودی است که برخی از ویژگی‌های روحی را با خود بالقوه به دنیا آورده و این ویژگی‌های بالقوه در طول زمان به تدریج بالفعل درآمده و به ظهور می‌رسند. به گزارش خبرگزاری مهر، وجود فطرت از دیدگاه اسلام امری مسلم است یعنی اسلام بدون شک برای انسان فطرتی قائل است. از نظر لغوی فطرت از مصدر فطر و به معنای شکافتن اختراع و انشاء کردن می‌باشد.

در قرآن خداوند در مورد ابتدای خلقت دنیایی انسان وی را از خاک دانسته و با تعبیری همچون حماء، مسنون و گل کهنه، سلاله طین، عصاره گل و یا گل خالص صلصال کالفجار آورده است. خداوند در آیاتی می‌فرماید: همانا انسان را از گل خالص آفریدیم، او را به صورت نطفه در محلی استقرار دادیم و سپس نطفه را به علقه تبدیل کردیم و علقه را به پاره گوشت و پاره گوشت را تبدیل به استخوان، استخوان را با گوشت پوشانیدیم و سپس از آن خلقی جدید چون انسان خارج ساختیم.

همچنین در سوره انعام می‌خوانیم که ما به ابراهیم (ع) ملکوت و باطن آسمانها زمین را ارائه دادیم تا به مقام اهل یقین رسد. پس چون شب تاریک نمودار شد ستاره درخشانی را دید، گفت این پروردگار من است. چون آن ستاره غروب کرد، گفت: من چیزی را که نابود گردد به خدایی نخواهم گرفت. پس چون ماه تابان را دید. باز گفت: اگر خدای من مرا هدایت نکند همانا که من از گروه گمراهان خواهم بود. پس چون خورشید درخشان را دید، گفت: این است خدای من این از آن ستاره و ماه با عظمت روشن تر است. چون آن نیز نابود گردید، گفت: ای گروه مشرکان من از آنچه شما شریک خدا قرار می‌دهید، بیزارم. من با ایمان خالص روی به سوی خدایی آورده‌ام که آفریننده آسمانها و زمین است. من هرگز با مشرکان موافق نخواهم بود (سوره انعام آیه 75 تا 79).

باز هم در قرآن می‌خوانیم که حضرت ابراهیم (ع) در مقابل مخالفت قوم خود جریان هدایت یافتن خود و پذیرش خدایی که بر همه عالم محیط است و دعوت آنان به پذیرش ندای فطرت و انتخاب خدا بر اساس باور درونی می‌پردازد. (سوره روم آیات 29 و 30).

خداوند به رسول خودش در مورد فاصله گرفتن مردم جاهل از اصل فطرت خود می‌فرماید: آری مردم ستمکار از جهل و نادانی پیروی کردند و آن شخص که توسط خدا گمراه شد چه کسی می‌تواند هدایت کند. آن گمراهان ستمکار را هیچ یار و یآوری نخواهد بود پس تو ای رسول ما مستقیم روی به جانب آئین پاک اسلام آور و پیوسته از طریق دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است، پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد. این است آئین استوار حق ولیکن اکثر مردم از حقیقت آن آگاه نیستند (سوره انعام آیات 79 تا 83).

اسلام معتقد است انسان موجودی است که برخی از ویژگی‌های روحی را با خود بالقوه به دنیا آورده و این ویژگی‌های بالقوه در طول زمان به تدریج بالفعل درآمده و به ظهور می‌رسند. اجمالا به این ویژگی‌های بالقوه که در طول زمان شکوفا شده و بالفعل می‌شوند فطرت می‌نامند.

پیرامون سرشت و فطرت انسان و عوامل تغییر دهنده آن نظرات متعدد و متفاوتی وجود دارد. بسیاری از اندیشمندان با افکار و عقاید مختلف سرشت و فطرت آدمی را چیزی دانسته‌اند که به هیچ وجه قابل تغییر نبوده و به عقیده آنها هر فرد همان گونه‌ای که زندگی می‌کند که متولد شده است او موجودی است که چگونه زیستن را با خود به دنیا می‌آورد همان گونه که رنگ چشم و پوست بدن از هنگام تولد در آینده تغییری ایجاد نمی‌شود. فطرت او تغییر ناپذیر است در نظر این گونه افراد انسان همچون یک تابلوی نقاشی به دنیا آمده است به گونه‌ای که تمامی زندگی وی در این تابلو نقش بسته است.

در اسلام علاوه بر اعتقاد به فطرت پاک انسانی و گرایشات درونی او در مسیر تعالی و ترقی و تکامل به این مسئله مهم که فطرت تحت تاثیر عوامل اقتصادی اجتماعی و روانی در حال تغییر است و اشکال و رنگ‌های گوناگون به خود می‌گیرد باور دارد در این میان خود انسان به عنوان تنها تصمیم‌گیرنده نهایی مسئول تغییراتی است که در فطرت و شخصیت او روی می‌دهد. یعنی انسان با اختیاری که دارد می‌تواند در برابر تمامی عوامل شکل دهنده و تغییر دهنده فطرت مقاومت نموده یا تسلیم شود و در این موقع است که انسان مسئول انحراف‌ها و عدم انحراف‌های خود بوده و به خوبی می‌تواند استراتژی یا خط مشی زندگی خود را تعیین و ترسیم نماید. در این مورد خداوند در قرآن به سخنان ارزشمند و قابل توجهی اشاره دارد که به چند مورد آن می‌پردازیم. انسان انتخابگر است هرکس خواست ایمان آورد و هر کس خواست کافر شود. حال این انسان آزاد و انتخابگر اگر با تاثیر پذیری از الگوهای تربیتی سالم و سازنده بتواند موجبات بیداری روحیه خودباوری و حقیقت‌پذیری را در خود فراهم آورد. سعادت دنیا و آخرت شامل حال او می‌شود اگر

درمسیر خلاف قرار گیرد و از خدا و ارزشهای انسانی خود دوری جوید از آن طریق موجبات هلاکت خود را فراهم آورده است.(سوره
کهف آیه 29).